روایت گیلانی‌ها از روزگار کرونایی

درمان این درد تویی

ترانه بنی یعقوب
گزارش نویس

«گفتند کار داوطلبانه در این شرایط یعنی خودکشی. خیلی‌ها مرا ترساندند اما رفتم و پای کار ایستادم. نمی‌گویم شرایط خوب است که اصلاً خوب نیست اما مگر می‌شود دست روی دست گذاشت؟» این‌ها حرف‌های یک جوان اهل رشت است که داوطلبانه در یکی از بیمارستان‌های این شهر به کادر درمان کمک می‌کند. این روزها استان گیلان یکی از کانون‌های اصلی درگیری با کروناست. وضعیت بیمارستان‌ها چندان خوب نیست و کادر درمان و پزشکان اگرچه خسته اما با تمام وجود همچنان مشغول کارند. با این همه خیلی‌ها داوطلبانه وارد بیمارستان‌ها شدند تا به‌کادر درمان کمک کنند آن هم در شرایطی که با کمبود تجهیزات رو به رو بودند. آن طور که می‌گویند هفته‌ای یک بار لباس محافظ به داوطلبان می‌دهند و ماسکی که چند روز یک بار عوض می‌شود. هرچند آنها می‌گویند این روزها برخی خیران دست به کار شده‌اند و از این نظر وضعیت کمی بهتر شده است.

میلاد یکی از داوطلبانی است که تقاضا داشت در بیمارستان رازی رشت کار کند اما آنقدر سطح حفاظت پایین بود که نتوانست. او حالا به‌همراه چند جوان دیگر اهل این شهر مکان‌های عمومی را ضدعفونی می‌کند: «باید چندین روز از لباس‌هایی استفاده می‌کردیم که چندان مناسب نبودند این لباس‌ها حتی ممکن است راحت پاره شوند، چون خیلی دوخت قوی ندارند اما باز این‌ها هم مانع کار ما نشد. من در یک آزمایشگاه کار می‌کنم و جالب است بدانید اولین برخورد مدیرم این بود که گفت اگر بروی من تا چند ماه نمی‌پذیرمت و دست کم دو سه ماه بیکار می‌شوی. مخالفت‌های خانواده هم بود و اگر تجهیزات مناسب بدهند من و خیلی‌ها داوطلبانه خدمت می‌کنیم. بالاخره نمی‌شود دست روی دست گذاشت.»

پسر جوانی که داوطلبانه برای یکی از بیمارستان‌های دولتی رشت کار می‌کند می‌گوید: «خیلی‌ها به سختی می‌توانند وارد بیمارستان رازی شوند و به سختی پذیرش می‌شوند. همراهان بیمار به سختی می‌توانند کسی را راضی کنند تا به بیمارشان خوب رسیدگی کند. چون پروتکل‌هایی برای این بیماری وجود دارد که باید بر اساس آن برخی را در بیمارستان و برخی را در خانه بستری کنند. خیلی‌ها اصرار می‌کنند بیمار حتماً بستری شود و فکر می‌کنند این طور بهتر است اگر هم بیمار را پذیرش نکنند دوباره داخل ماشین می‌برند و منتظر می‌مانند؛ در همان ماشین‌های اطراف بیمارستان بیمارها سرفه‌های شدیدی می‌کنند و همین به گسترش بیماری دامن می‌زند؛ از همراه بیمار گرفته تا راننده و همه و همه در خطرهستند. اینجا صحنه‌هایی می‌بینی که واقعاً می‌ترسی درحالی که با تدبیر می‌شود دست کم این بخش را کنترل کرد.»

یکی دیگر از داوطلب‌ها می‌گوید: «تجهیزات در همه بیمارستان‌ها کم است و ضعف زیادی در این زمینه وجود دارد؛ در لنگرود، سنگسر و انزلی همه پرستارها نمی‌توانند تجهیزات قابل قبولی داشته باشند. در بیمارستان‌های دیگرهم این تجهیزات کم است یا اصلاً وجود ندارد.»

مردی که هفت روز با بیماری کرونا در بیمارستان قائم رشت بستری بوده و الان چند روزی است که مرخص شده می‌گوید: «از ۲۹ بهمن علائم سرماخوردگی داشتم، دو سه روز ماندم خانه. سوم اسفند رفتم گرافی ریه دادم. هفت اسفند باز هم گرافی ریه دادم که خیلی بد بود. بعد رفتم بیمارستان رازی که دولتی است از صبح تا شب نتوانستم پذیرش شوم. هشتم گرافی‌ها را بردیم بیمارستان قائم که گفتند مشکوک به کرونا هستی، در خانه بمان و تامی فلو بخور و از بقیه خانواده دور باش. سطح اکسیژن خونم نباید از ۹۰ کمتر می‌شد. چهار روز خانه ماندم حالم خراب شد. دوباره اسکن و آزمایش دادم. گفتند ریه‌ات تخریب شده و احتمالاً کروناست؛ کیت نداشتند اما از علائم و شمارش گلبول‌ها معلوم شد. خلاصه در بخش نسترن ماندم که برای بیماران اعصاب و روان است. آنجا بیماران کرونایی را نگه می‌داشتند. وضع تنفسم بهتر شد بعد از چند روز دیگر اکسیژن نمی‌گرفتم. نهایت اینکه بعد از هفت روز بستری مرخص شدم.»

او می‌گوید: «رسیدگی خوب بود. بیمارستان قائم بیمارستان بدی نیست اما در بستری کردن کسی که مشکوک به کروناست محدودیت دارند، یعنی سقفی برای خودشان دارند. اما سطح خدمات بیمارستان بد نبود هرچند همه کلافه بودند. من می‌دیدم دلشان نمی‌خواهد بیمار کرونایی را بستری کنند. برخی بیمارستان‌ها که اصلاً بستری نمی‌کنند. برادرم برای تهیه تامی فلو یک شب تا صبح توی صف مانده بود و یک بار هم شش صبح تا دوازده و نیم ظهر. اگر دیر بروی و ته صف باشی تا می‌آیند دارو را توزیع کنند، تمام شده. خوبی‌اش این است که اول اسم می‌نویسی و بعد هم کسی نمی‌تواند داروها را در بازار سیاه بخرد یا بفروشد. گویا پلیس همانجا کنار صف مراقب است. یک بار تا برادرم دارو را گرفته بود.»

علی یکی از اهالی رشت می‌گوید: «حتی همین حالا هم برخی دوستان ما وقتی درباره شیوع کرونا حرف می‌زنیم داستان را جدی نمی‌گیرند و مثلاً می‌گویند مرگ و زندگی دست خداست. این حرف درست ولی یک ویروس به این خطرناکی آمده و همه باید مراعات کنند. تعطیل نکردن خیلی از شرکت‌ها و ادارات هم به این وضعیت بد دامن زد. مثلاً همین چند روز پیش وکیلی برای پیگیری کارهای موکلش آمده بود گیلان. خب چرا باید چنین اتفاقی بیفتد؟ این ترددها مشکلات زیادی را به‌وجود می‌آورد باید از همه بخواهیم توی خانه‌هایشان بمانند.»

یکی از بستگان یک بیمار مبتلا به کرونا در رشت می‌گوید: «وضعیت تهیه دارو واقعاً در رشت سخت است. فقط سه داروخانه داروهای مرتبط را به‌همراهان بیمار می‌دهند. داروها هم عمدتاً سه نوع است که یک موردش یعنی تامی فلو واقعاً کمیاب است.»

محمد نمایندگی یکی از برندهای تصویربرداری را دارد. او می‌گوید: «همین دیروز برای نصب دستگاه سی تی اسکن به بیمارستان کامکار قم رفتم. فکرش را بکنید؛ دستگاه سی‌تی‌اسکن نداشتند آن هم اولین بیمارستانی که برای بیماران مبتلا به کرونا در کشور در نظر گرفته شد. بعد هم به شیراز رفتم برای نصب دستگاه سی‌تی اسکن و تصویربرداری از ریه که سطح پیشرفت بیماری را نشان می‌دهد. توی این مدت یک سری دستکش و محلول ضدعفونی هم تهیه می‌کردم و به بیمارستان‌ها می‌رساندم اما از اوایل هفته تهیه این‌ها هم سخت شده و گویا از ادارات مختلف بهداشت مأمور فرستاده‌اند و همه شرکت‌ها را از توزیع منع کرده‌اند و خواسته‌اند این محصولات مستقیم به بیمارستان‌ها داده شود، با این همه هنوز هم بیمارستان‌هایی می‌شناسم که بشدت کمبود دارند و حاضرند با هر قیمتی که شده این محصولات را از بازار آزاد تهیه کنند.»

او که این روزها از نزدیک در جریان امکانات و کادر درمان قرار گرفته، با اشاره به کمبودها بویژه در زمینه تجهیزات پزشکی می‌گوید: «فرسوده شدن کادر درمان را همه باید جدی بگیرند؛ مسئول تصویربرداری بیمارستان کامکار قم می‌گفت سه روز است خانه نرفته. پرسنل بیمارستان رازی رشت هم همین طورهستند هم خسته و هم در معرض ابتلا. نمی‌دانید چه فشاری را دارند تحمل می‌کنند؛ هرچند جانانه پای کار ایستاده‌اند. با این حال به نظر من از الان باید برای مدیریت این مسأله فکری اساسی کرد.»

پزشک یکی از بیمارستان‌های خصوصی رشت نیز با تأیید این حرف می‌گوید: «کادر درمان این روزها ریزش داشته. تعدادی از پرستارها استعفا داده‌اند و از ترس بیماری خودشان را خانه‌نشین کرده‌اند که البته ترس‌شان هم قابل درک است. برخی از کادر درمان هم که فوت کرده‌اند. همین الان دکتر رضا نادری و دکتر رهنما از همکاران ما بیمارند. از بیمارستان‌های خصوصی حمایتی نمی‌شود اما هر روز به ما دستورالعمل‌های جدیدی می‌دهد. ما آنقدر این روزها کمبود داشتیم که از بازار سیاه تجهیزات تهیه کردیم. خب چرا نباید دولت این تجهیزات را به بیمارستان‌های خصوصی بفروشد؟ این روزها همه باید کنار هم باشیم. بیمارستان دولتی و خصوصی ندارد. فقط در کنار یکدیگر می‌توانیم بر این بیماری غلبه کنیم.»

ایسنا

> “
> برادرم برای تهیه تامی فلو یک شب تا صبح توی صف مانده بود و یک بار هم شش صبح تا دوازده و نیم ظهر. اگر دیر بروی و ته صف باشی تا می‌آیند دارو را توزیع کنند، تمام شده. خوبی‌اش این است که اول اسم می‌نویسی و بعد هم کسی نمی‌تواند بازار سیاه بخرد یا بفروشد. گویا پلیس همانجا کنار صف مراقب است

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۳۴۵

آسان

	۵	۱			۹	۳		۷
۲	۶		۳	۷				
۷					۱	۹		۶
	۱				۲		۷	۳
۸								۵
۹	۲		۸				۱	
۶		۸	۷					۱
				۱	۸		۶	۹
۱		۵	۹			۴	۸	

متوسط

۷					۴	۸	۲	
۱	۵							
۴	۳	۲			۸			۹
۸				۷		۹		۳
	۱						۸	
۶		۹		۲				۵
۹			۶			۵	۳	۸
							۹	۷
	۸	۳	۱					۶

سخت

۳	۹				۲			
	۵			۳		۶		
		۸		۱			۷	
۱				۷			۲	
		۵	۲		۱	۴		
	۷			۹				۱
	۸			۴		۲		
		۴		۶			۵	
			۳				۴	۸

خیلی سخت

	۹							
			۶	۳				۱
۷		۴	۲					
	۴	۲			۷	۸		
		۵				۶		
		۳	۱			۴	۵	
					۳	۲		۴
۳				۸	۴			
							۹	

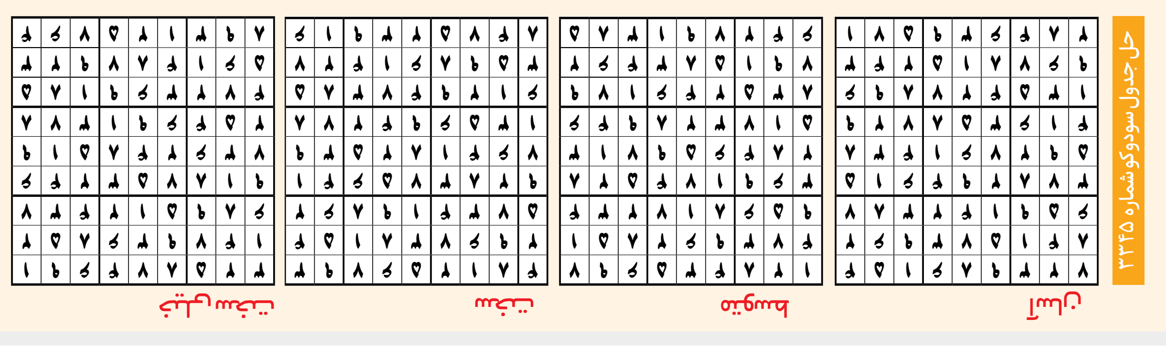
حل جدول سودوکو شماره ۳۳۴۴
آسان
متوسط
سخت
خیلی سخت

یک جـدول با دو شـرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۳۰۳

جدول عـادی

افقی:

۱- یار «بیژن»- اثر معروف «اُ.هنری» (O.Henry) امریکایی
۲- غاردیدنی «نیاسر»- گردهمایی علمی- بهنگام‌رسانی
۳- ورم- تلاش- کاتب
۴- سنی که پس از رسیدن به آن انجام وظایف شرعی واجب می‌شود- عدد بازیکنان یک تیم فوتبال در زمین!- برادری
۵- خدای دروغین- سهل- مقابل «فروع»- سلیقه همگان
۶- اتاق آموزشی- سنجیده‌وهوشمندانه- بدون‌بسته‌بندی
۷- میان‌سر- ماه میلادی- نقشه
۸- نگهبان چماقدار- شرطدوستی- بداقبالی
۹- مخترع «هواپیما»- بهترین‌شکل مصرف!- پلووارفته
۱۰- زه کمان- شهری در «افغانستان»- ورودی
۱۱- همراه غم!- قفل قدیمی- شهرباستانی آسیای صغیر- پیچ وتاب
۱۲- بدگو- شیرینی خامه‌دار- وسیله‌ای در آشپزخانه
۱۳- غیرمذهبی- نوعی کفپوش پرزدار- سرعت
۱۴- امضای گذرنامه- رزمنده، مبارز- رهن
۱۵- دریچه‌ای در خودرو- مدافع باتجربه «رئال مادرید»

عمودی:

۱- درجات- نوعی اسکلت ساختمانی
۲- صندلی چندنفره- شهری در استان «گیلان»- کلام پرسش
۳- جناح لشکر- اجاره- اشعه نافذ
۴- زادگاه «اقبال لاهوری»- نادر
۵- آخرین نازی- شهردیدنی استان «فارس»- مردن
۶- زوبین- خمیازه- ظهور، پدیداری- محل
۷- مجموعه اشعار شاعر- کانون سرایت ویروس «کرونا»- عمل به‌رخ کشیدن نیکی
۸- ازدروس ادبی- گنجایش- کشوری در قاره «آفریقا»
۹- درخت جنگلی- مادر «ماندانا»- عنوان نظامی
۱۰- پرحرفی- پاک نژاد- پرنده خوش اقبالی- درون، داخل
۱۱- ترسناک- عبرت و پند- ترمزچارپا
۱۲- موظف ومتصدی- خدمتگزار
۱۳- بهت وشگفتی- نوعی خوراک محبوب- صمغ درخت
۱۴- اتومبیل گرانقیمت- سرزنش- اتومبیل
۱۵- خبرغیرمنتظره- فرمانبردار رئیس

جدول ویـــژه

افقی:

۱- نارنجک- علم مطالعه رفتار
۲- اسکار تلویزیونی- ملاح- سران قبایل
۳- موسیقی بندری- سنبله- قطعه‌های پشم شیشه که برای ظرفشویی به کار می‌رود
۴- بندری در «بلغارستان»- عدد دونده- یک نوع بازی جذاب
۵- مالامال- ناموس و اعتبار- شهری در «روسیه»- فیلم «بهرام بهرامیان»
۶- نام دخترانه- لزوم امری- قرمز
۷- کتلت- پاره خط جهت دار- بازپرس قدیم
۸- کتاب زرتشت- اشباع از چیزی- از خصوصیات عالی اخلاق انسانی
۹- حنا- پابند- زنگوله
۱۰- اندوهگین- سوراخ وروزنه- ظرفی مسین یا چوبین با سوراخ بسیار
۱۱- الفبای ساز- ظرف چای- سریالی از «سهیلی‌زاده»- نشان غیرت!
۱۲- هیجان‌انگیز- ویتامین انگور- مرتعش
۱۳- آذرخش- سرمشق- خوراکی سرد
۱۴- رهبر حزب- رئیس یک دسته از مردم- دهی در استان «گلستان»
۱۵- فیلم «محمد جعفری»- متحول شدن

عمودی:

۱- بنگاه آمارگیری- مدافع «سپاهان»
۲- شبان- بلندترین قله- از کلمات ندایی شاعرانه!
۳- دریاچه طبیعی «اردبیل»- شهری در استان «فارس»- حدوسط چند چیز
۴- معبدی در «کنگاور»- پس روی و عقب رفتن
۵- مادر محلی- میغ- پوشش سطحی
۶- واژه تمجید- ظاهرنمایی- عدد زیر خط کسری- ثلث عددنه
۷- ازجوایزادبی- گیاه- نام پسرانه
۸- هنررزمی مدرن چینی- مالی که امانت نزد کسی بگذارند- دستگاه قطع ووصل جریان برق در اتومبیل
۹- جواب مثبت خودمانی- کرایه‌خانه- تعقیب قانونی
۱۰- عود- مردچست و چابک- چوبه قالی- دوستی
۱۱- بازگشتن- ابزاری برای کندن زمین- کلاه فرنگی
۱۲- جلوس- یک خدمت حرفه‌ای
۱۳- اشعه پزشکی- توصیه- مجروح
۱۴- منفک- پیشرفت- نوازنده
۱۵- اثری دیدنی و تاریخی در «ابرکوه» میبد- مهم‌ترین جایزه ادبی فرانسه

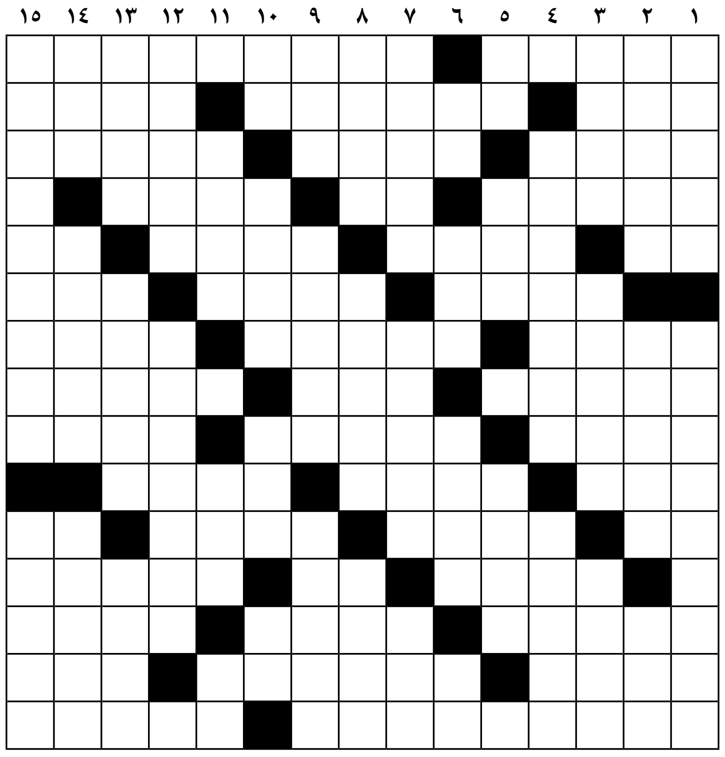

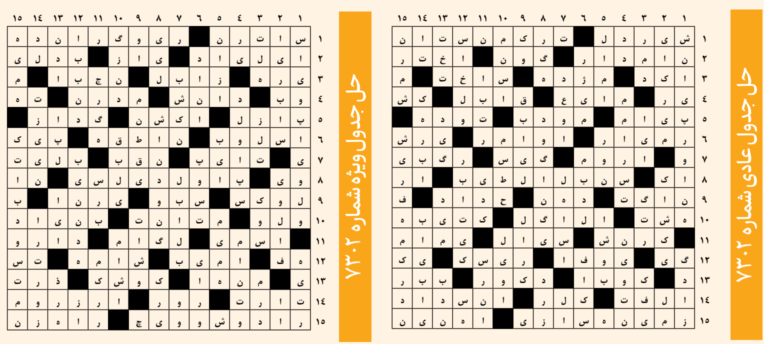
حل جدول عادی شماره ۷۳۰۲
حل جدول ویژه شماره ۷۳۰۲